

## الزامات الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت در مناطق آزاد تجاری

فرزاد مرادپور<sup>۱</sup> و مسعود کمالی اردکانی<sup>۲</sup>

تجربه بسیاری از کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت و به ویژه چین گویای آن است که این کشورها از مناطق آزاد تجاری، صنعتی، خدماتی و فناوری خود در راستای مشارکت مؤثر خود در اقتصاد جهانی بهره گرفته‌اند و این مناطق نقشی پیشاهنگ را در این خصوص ایفاء کرده‌اند که حاکی از اهمیت این مناطق در الحاق به سازمان جهانی تجارت است. در عین حال، تأثیرات و الزامات الحاق به سازمان جهانی تجارت در سرزمین اصلی و مناطق آزاد تفاوت‌های اساسی با یکدیگر دارند و لذا نمی‌توان از مناطق آزاد به عنوان الگویی آزمایشی برای الحاق کشور به سازمان جهانی تجارت استفاده کرد. به علاوه، بررسی مقررات مرتبط سازمان جهانی تجارت حاکی از آن است که الحاق به این سازمان در مواردی چون منع تبعیض، یارانه‌ها و ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری محدودیت‌هایی برای فعالیت در مناطق آزاد تجاری ایجاد می‌نماید. بررسی مقررات کنونی کشور در این خصوص حاکی از وجود مغایرت‌های عمده‌ای در این موارد نیست، هرچند که ممکن است پارهای از مشوق‌های مغایر با الزامات سازمان جهانی تجارت در راستای توسعه این مناطق بعداً مد نظر قرار گیرند؛ به ویژه آن که تا زمان عضویت کامل ایران در این سازمان که سال‌ها به طول می‌انجامد رعایت چنین مواردی الزامی نخواهد شد.

### چکیده

### واژه‌های کلیدی:

سازمان جهانی تجارت، الحاق ایران، مناطق آزاد تجاری

طبقه‌بندی JEL: F21, F14, F13

## (۱) مقدمه

مهمترین ویژگی مناطق آزاد که در مفهوم نوین خود قدمتی ۵۰ ساله دارند آن است که در آن جا بنگاه‌ها آزادانه می‌توانند مواد خام، کالای نیمه ساخته، ماشین‌آلات و تجهیزات خود را بدون عوارض گمرکی و تعرفه وارد کرده و به تولید و یا سرمایه‌بندی کالا اقدام نموده و با کمترین محدودیت و مقررات صادر نمایند و در عین حال از امتیازات، مشوق‌ها و تسهیلات سرمایه‌گذاری و صادرات نظیر معافیت مالیاتی برخوردار گردند. مجموعه شرایط فوق مناطق آزاد را برای سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی جهت صادرات جذاب می‌نماید (خلیلی، ۱۳۸۷: ۴۱).

برخی کارشناسان اقتصادی کشور نقش مناطق آزاد را فراتر از این دانسته و آن را محملی تعیین‌کننده برای ایفای نقش فعال‌تر در مبادلات تجاری و صنعتی مخصوصاً در عرصه اقتصاد جهانی می‌دانند و آن را به عنوان پلی برای اتصال به اقتصاد جهانی و عضویت در سازمان جهانی تجارت مطرح می‌کنند و انتظار دارند که با ایجاد و تأسیس مناطق آزاد تجاری به عنوان نمونه آزمایشی آزادسازی تجاری-صنعتی-مالی و برخوردار شدن از ترجیحات و امتیازات اداری و قانونی، تدریجاً و طی مراحل مختلف بخشی از اقتصاد ملی را به اقتصاد جهانی پیوند زده و ضمن کسب تجربیات از فعالیت مناطق آزاد خود، فرایند ادغام در اقتصاد جهانی را کامل کنند و در بلند مدت تمام سرزمین اصلی به این فرایند ملحق گردد (صلاحی احمدآبادی، ۱۳۸۷: ۳). برخی حتی فراتر از این پیشنهاد الحاق مناطق آزاد تجاری کشورمان به سازمان جهانی تجارت را مطرح نموده‌اند.

مقاله حاضر با هدف پاسخ به پاره‌ای از ابهامات موجود، شناخت تجربیات الحاق کشورها در این خصوص و واقعی کردن انتظارات سیاستگذاران، ضمن مرور تاریخچه و اهداف مناطق آزاد تجاری در ایران و جهان، با بررسی الزامات مؤثر سازمان جهانی تجارت بر جایگاه مناطق آزاد تجاری بر آن است که تأثیر پذیرش الزامات این سازمان را بر عملکرد مناطق آزاد تجاری ایران ارزیابی نموده و نسبت میان سازمان جهانی تجارت

و مناطق آزاد تجاری را روشن سازد. از آنجایی که بازنگری در قانون مناطق آزاد تجاری از مطالبات قانون برنامه چهارم می‌باشد، مقاله حاضر دربردارنده ارزیابی مقررات مربوط به این مناطق در قانون مزبور و نیز قانون برنامه چهارم از منظر الحاق به سازمان جهانی تجارت می‌باشد.

## ۲) پیشینه و ویژگی‌های مناطق آزاد تجاری

مناطق آزاد یکی از اهرم‌های اقتصادی مهمی است که دولت‌ها با استفاده از آن سعی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی با هدف تشویق و توسعه صادرات و کسب درآمدهای ارزی داشته‌اند. ایجاد منطقه آزاد با مفاهیم جدید به آغاز دهه ۱۹۶۰ میلادی در بندر شانون ایرلند بر می‌گردد که به سرعت در کشورهای دیگر به خصوص در شرق آسیا گسترش یافت. به طوری که گفته می‌شود تعداد آن‌ها به حدود ۸۵۰ منطقه آزاد در سطح جهان می‌رسد.

منطقه آزاد تجاری یا منطقه پردازش صادرات طبق تعریف به قلمروی خاص در یک کشور اطلاق می‌گردد که برای تسهیل و توسعه صادرات و جذب سرمایه‌های خارجی به وجود می‌آید. این مناطق آزاد در زمینه صادرات کالا و جذب سرمایه‌های خارجی به طور کامل آزادند و دولت‌ها سعی می‌کنند با اتخاذ راه‌کارهای تسهیل‌کننده، زمینه‌های مناسب را برای سرمایه‌گذاری و توسعه صادرات و کسب درآمدهای ارزی به وجود آورند. به علاوه، جهانی شدن اقتصاد مستلزم داشتن زمینه لازم و پیش‌شرط‌های کافی است که هزینه‌های زیادی را جهت ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی به مقیاس کلان و با استانداردهای جهانی به همراه دارد که کشورها از عهده انجام آن در کوتاه مدت ناتوان هستند. از اینرو، با ایجاد یک محدوده جغرافیایی خاص و اتخاذ سیاست‌های اقتصادی و تجاری مطلوب، راه حل مناسبی را جهت جذب سرمایه و فناوری خارجی، تربیت نیروی انسانی و فراهم کردن فرصت‌های شغلی و جهت‌گیری صادراتی فراهم می‌نمایند تا از این طریق در جهت جهانی کردن اقتصاد حرکت کنند. این مناطق غالباً از قانونمندی مطلوب و نیز تسهیلات زیرساختی و زیربنای لازم در

زمینه‌های فرودگاه، شبکه حمل و نقل و دسترسی به ساحل دریا، تسهیلات برای حمل محموله‌های کانتینری، ساختمان و کارگاه‌ها و کارخانجات کارا و استاندارد، ارتباطات و تسهیلات مخابراتی، شبکه‌های برق‌رسانی، آب و پشتیبانی خدماتی شامل: خدمات فیزیکی عرضه یا تولید نیروی الکتریسیته، آب و فاضلاب و دفع زباله و غیره برخوردار هستند. به علاوه، حجم انبارها، کیفیت و کمیت راه‌ها، امکانات اسکله‌ها، بنادر، هتل، شبکه‌های توزیع آب و برق، هزینه انرژی، حجم سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی، سهولت تأمین منابع مالی برای سرمایه‌گذاری زیربنایی، مشارکت بخش خصوصی در زیربناسازی و هزینه مطالعات و تحقیقات نیز در آنجا قابل توجه است (همان: ۴۲-۴۱).

در ایران اندیشه ایجاد مناطق آزاد تجاری-صنعتی در سال ۱۳۶۸ با تصویب تبصره ۱۹ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور با انگیزه تحقق سیاست توسعه صادرات غیرنفتی به وجود آمد که در این برنامه به دولت اجازه داده شد تا حداکثر در سه نقطه مرزی کشور مناطق آزاد ایجاد کند. بر اساس مصوبه سال ۱۳۷۲ مجلس شورای اسلامی کیش، قشم و چابهار به عنوان مناطق آزاد تجاری-صنعتی تعیین شدند. توسعه این روند تا قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور همچنان ادامه یافت. تا این که بر اساس تبصره ۳ ماده یک قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری-صنعتی، بنا به پیشنهاد هیأت دولت، مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۲ بر اساس ماده واحده‌ای، محدوده‌هایی از منطقه شهرستان‌های آبادان و خرمشهر (اروند)، جلفا (ارسباران) و بندر انزلی را به عنوان مناطق آزاد تجاری-صنعتی تعیین کرد. اگرچه مناطق یاد شده در کلیه امور بر اساس قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری-صنعتی مصوب سال ۱۳۷۲ و اصلاحات بعدی آن اداره می‌شوند، اما بر خلاف سه منطقه آزاد قبلی، ورود کالای همراه مسافر از این سه منطقه آزاد جدیدالتأسیس به سایر نقاط کشور به هر میزان ممنوع گردید. با اجرای این قانون در حال حاضر با اضافه شدن سه منطقه ارس، انزلی و اروند تعداد مناطق آزاد تجاری-صنعتی جمهوری اسلامی ایران به شش منطقه می‌رسد (همان: ۳۸).

### ۳) سازمان جهانی تجارت و مناطق آزاد تجاری

#### ۳-۱) سازمان جهانی تجارت

سازمان جهانی تجارت یکی از مهمترین سازمان‌های تأثیرگذار در سطح بین‌المللی به شمار می‌رود که آزادسازی و قاعده‌مندسازی تجارت جهانی را عهده‌دار می‌باشد و از اول ژانویه سال ۱۹۹۵ جایگزین نهاد موقت ۵۰ ساله گات (موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت) گردیده است. برخلاف گات که به تجارت کالا محدود می‌شد، قواعد، مقررات و موافقتنامه‌های این سازمان علاوه بر تجارت جهانی کالا، بر تجارت جهانی خدمات و حقوق مالکیت فکری نیز حاکم می‌باشد. تمامی کشورهایایی که خواهان تعامل با اقتصاد جهانی و بهره‌گیری از امکانات اقتصاد بین‌الملل در فرایند توسعه اقتصادی و صنعتی خود از طریق عضویت در این سازمان هستند باید علاوه بر تقبل تعهدات آزادسازی بازار کالاها و خدمات خود که در خلال مذاکرات تعیین می‌گردد از مقررات و قواعد سازمان که مندرج در موافقتنامه‌های این سازمان است تبعیت کرده و قوانین و مقررات اقتصادی و تجاری خود را با موافقتنامه‌های این سازمان سازگار نمایند. موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت در برگیرنده اسناد حقوقی مجزایی است که موضوعات متعددی از کشاورزی گرفته تا تجارت خدمات، خریدهای دولتی، قواعد مبدأ، صدور مجوزهای ورود، ارزشگذاری گمرکی، یارانه‌ها، موانع فنی تجارت، اقدامات تجاری مرتبط با سرمایه‌گذاری، مالکیت فکری و غیره را در بر می‌گیرد. موضوعات و حوزه‌های جدیدی شامل شفافیت در خریدهای دولتی، استانداردهای کار، سیاست رقابتی، تسهیل تجاری، تجارت و محیط‌زیست نیز در دست بررسی و بعضاً در دستور کار مذاکرات دور جدید (دور دوحه) قرار دارند که با توافق در تمام یا برخی از حوزه‌های فوق حیطه قواعد و مقررات سازمان جهانی تجارت باز هم تسری بیشتری پیدا خواهد کرد.

اهداف تأسیس سازمان جهانی تجارت که از اهداف اولیه تشکیل گات نیز به شمار می‌روند عبارتند از: بالابردن سطح زندگی مردم کشورهای عضو، فراهم نمودن امکانات ایجاد اشتغال کامل، افزایش درآمدهای واقعی و بالابردن سطح تقاضا، و بهره‌برداری مؤثر

از منابع جهانی مشروط به حمایت از محیط زیست و رشد پایدار و گسترش تولید و تجارت بین‌المللی. در حقیقت، سازمان جهانی تجارت تمامی اهداف غایی فوق را از طریق گسترش و آزادسازی تجارت کالاها و خدمات دنبال کرده است. بر این اساس اگر کارکردهای سازمان جهانی تجارت را بنخواهیم به طور خلاصه بیان کنیم عبارت خواهند بود از:

- ۱- مدیریت و نظارت بر اجرای موافقتنامه‌های سازمان؛
- ۲- مجمعی برای مذاکرات تجاری چندجانبه؛
- ۳- حل و فصل اختلافات تجاری؛
- ۴- بررسی و ارزیابی سیاست‌های تجاری اعضاء؛
- ۵- همکاری با دیگر سازمان‌های بین‌المللی در زمینه مدیریت اقتصاد جهانی (بزرگی، ۱۳۸۶: ۵۰-۴۷).

تاکنون ۱۵۳ کشور یا قلمرو مجزای گمرکی در سازمان جهانی تجارت عضویت دارند و حدود ۳۰ کشور دیگر نیز در حال انجام مذاکرات الحاق برای ورود به آن می‌باشند. هر کشور یا قلمرو مجزای گمرکی که از خودمختاری کامل در تجارت خارجی (و دیگر امور پیش‌بینی شده در موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت) برخوردار است می‌تواند طبق شرایطی که میان آن و سازمان جهانی تجارت مورد توافق قرار می‌گیرد به این سازمان ملحق شود. الحاق به سازمان جهانی تجارت طی مذاکراتی صورت می‌گیرد که در آنها کشورهای متقاضی الحاق باید بپذیرند که اقداماتی را جهت مطابقت قوانین و مقررات ملی خود با مقررات موافقتنامه‌های چندجانبه سازمان به عمل آورند. علاوه بر این، لازم است تعهداتی را برای کاهش تعرفه‌ها و اصلاح مقررات خود به عهده بگیرند تا دسترسی بیشتری را برای کالاها و خدمات خارجی فراهم نمایند (مرادپور، ۱۳۸۴: ۷۲). مذاکرات از مرحله حقیقت‌یابی، با بررسی چندجانبه گزارش رژیم تجاری کشور متقاضی آغاز و با مذاکرات دوجانبه دسترسی به بازار کالاها و خدمات و به موازات آن مذاکرات چندجانبه مطابقت قوانین و مقررات ملی با قواعد سازمان جهانی تجارت دنبال

می‌شود (همان: ۶۹).

مذاکرات چندجانبه در خصوص مطابقت با قواعد سازمان جهانی تجارت اگرچه اساساً بر موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت استوار است، اما ممکن است در خلال مذاکرات حقوق کمتر یا تعهدات افزونتری نسبت به آنچه که در قواعد سازمان آمده است برکشور متقاضی تحمیل گردد و در مذاکرات دوجانبه دسترسی به بازار جولان مذاکرات بسی بیشتر است (همان: ۸۲).

از زمان تأسیس سازمان جهانی تجارت در سال ۱۹۹۵ تاکنون ۲۵ عضو جدید به جمع ۱۲۸ عضو اولیه (مؤسس) سازمان که سابقه عضویت در گات را داشته‌اند افزوده شده است که طول مذاکرات الحاق برای آنها به طور متوسط بیش از ۷ سال بوده است. به عنوان مثال، فرایند الحاق چین ۱۵ سال و فرایند الحاق عربستان ۱۲ سال به درازا کشیده است (همان: ۹۱).

### ۲-۳) مرور مؤثرترین الزامات سازمان جهانی تجارت بر مناطق آزاد تجاری

سازمان جهانی تجارت نیل به این اهداف را بر مبنای اصولی همچون اصل عدم تبعیض، اصل آزاد سازی تجاری، اصل تجارت عادلانه، اصل شفافیت، اصل رفتار ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه تعقیب می‌کند. البته باید توجه داشت که استثنائات زیادی بر این اصول وارد شده است (گروه نویسندگان، ۱۳۸۵: ۳۰).

این اصول بر تمامی موافقتنامه‌های سازمان حاکم هستند. در این میان اصل عدم تبعیض از اهمیت بیشتری در خصوص مناطق آزاد تجاری برخوردار است و عموماً در تعهدات الحاق کشورها در خصوص مناطق آزاد ذکر می‌شود. اصل عدم تبعیض خود بر دو پایه: اصل رفتار دولت کامله الوداد و اصل رفتار ملی استوار است. مطابق با اصل رفتار دولت کامله الوداد، اعطای امتیاز به کالاها و خدمات یک طرف خارجی موجب تسری آن به کالاها و خدمات مشابه سایر طرف‌های عضو سازمان می‌گردد. بنابراین، این اصل مستلزم عدم تبعیض میان طرف‌های مختلف خارجی می‌باشد. مطابق

با اصل رفتار ملی کالاها و خدمات خارجی در بازار کالاها و خدمات داخلی از رفتاری برابر با رفتاری که کالاها و خدمات مشابه داخلی از آن بهره‌مندند، برخوردار می‌گردند. به عبارت دیگر، این اصل مستلزم عدم تبعیض میان کالا و خدمات (همچنین عرضه‌کنندگان خدمات) داخلی و خارجی می‌باشد. رعایت اصل عدم تبعیض همچنین میان اتباع خارجی و نیز میان اتباع داخلی و خارجی دارنده حقوق مالکیت فکری لازم است (Hoeckman & Kostecki, 1995: 29-31).

تعهدات الحاق کشورها در خصوص مناطق آزاد عموماً به برخی موافقتنامه‌های سازمان اشاره دارند. ذیلاً به معرفی این موافقتنامه‌ها که بیشترین ارتباط را با وضعیت مناطق آزاد تجاری دارند می‌پردازیم.

#### ۱-۲-۳) موافقتنامه ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری

هدف موافقتنامه گسترش آزادسازی تجاری عبارت از تسهیل سرمایه‌گذاری همراه با تضمین رقابت است. در این موافقتنامه به کارگیری آن دسته از ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری که با مواد ۳ (رفتار ملی) و ۱۱ (حذف کلی محدودیت‌های مقداری) گات مغایرت دارند، ممنوع اعلام شده است. مهمترین این ضوابط بر اساس آنچه که در ضمیمه موافقتنامه آمده است الزام تراز تجاری، تراز ارزی و محتوای داخلی را شامل می‌شود (ITC/CS, 1995: 12).

#### ۲-۲-۳) موافقتنامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی

این موافقتنامه که یکی از مهمترین موافقتنامه‌های کالایی به شمار می‌رود ضمن تعریف یارانه به: «کمک مالی منجر به انتقال نفع به گیرنده از طرف دولت»، یارانه‌ها را به سه دسته: ممنوع (که پرداخت آنها منوط به عملکرد صادراتی و یا استفاده از کالای داخلی به جای کالای وارداتی است)، قابل پیگیری (یارانه‌های خاص که پرداخت آنها منجر به وارد آمدن تأثیر سوء به منافع دیگر اعضا می‌شود) و غیرقابل پیگیری (یارانه‌هایی



که به بنگاهی خاص، منطقه‌ای خاص و یا صنعتی خاص تعلق نمی‌گیرند) تقسیم می‌کند. موافقتنامه دو راه کلی برای جبران خسارت ناشی از پرداخت یارانه توسط طرف‌های تجاری پیش‌بینی کرده که یکی ارجاع به رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت جهت بررسی و صدور حکم است. دیگری، روش یکجانبه که کشور متضرر می‌تواند رأساً علیه کالای منتفع از یارانه، عوارض جبرانی وضع نماید (گروه نویسندگان، پیشین: ۳۸۲-۳۷۶).

### ۳-۲-۳) موافقتنامه عمومی تجارت خدمات

این موافقتنامه یکی از سه موافقتنامه اصلی ضمیمه نخست موافقتنامه تأسیس سازمان جهانی تجارت است که قصد دارد قواعد حاکم بر تجارت کالا را با تعدیلاتی به تجارت خدمات تعمیم دهد. متن اصلی موافقتنامه در ۲۹ ماده دربردارنده مفاهیم کلی و اصولی همچون رفتار ملی، دولت کامله‌الوداد، شفافیت و نیز قواعد حاکم بر اقدامات مؤثر در تجارت خدمات است. موافقتنامه ۸ ضمیمه دارد که به موضوعات خاص (همچون جابجایی اشخاص حقیقی) و یا بخش‌های خاص (همچون خدمات مالی و ارتباطات راه دور اصلی) می‌پردازد. به علاوه، کشورها هر یک تعهدات ویژه خود را در زمینه آزاد سازی تجارت در بخش‌ها و زیربخش‌های خدماتی خود دارند که به موافقتنامه پیوست می‌گردد. این تعهدات انعطاف‌پذیر است و کشورها بر اساس نتایج مذاکرات خود با سایر اعضای سازمان جهانی تجارت در برخی بخش‌های خدماتی و یا شیوه‌های عرضه خدمات تعهدات دسترسی به بازار را می‌پذیرند. بخش‌های اصلی خدمات (۱۱ بخش) به ترتیب شامل: خدمات بازرگانی، ارتباطات، ساخت و مهندسی، توزیع، آموزش، محیط زیست، خدمات مالی، بهداشت، گردشگری و مسافرت، خدمات تفریحی و ورزشی و حمل و نقل می‌باشد (ITC/CS, 2000: 10-21).

### ۳-۲-۴) موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری

این موافقتنامه یکی از سه موافقتنامه اصلی ضمیمه نخست موافقتنامه تأسیس

سازمان جهانی تجارت است که از جامعترین و کاملترین موافقتنامه‌های بین‌المللی در خصوص حمایت از حقوق مالکیت فکری محسوب می‌شود. این موافقتنامه استانداردهای حداقل را در حمایت از انواع مختلف حقوق مالکیت فکری شامل حق نسخه‌برداری و حقوق جانبی و نیز حقوق مربوط به علائم تجاری، علائم جغرافیایی، طرح‌های صنعتی، حق اختراع، طرح‌های ساخت مدارهای یکپارچه و اطلاعات افشاء نشده معین می‌سازد و در عین حال مقررات ماهوی چند کنوانسیون بین‌المللی در حمایت از حقوق مالکیت فکری را لازم‌الاجراء می‌شمارد (دژمخوی و مرادپور، ۱۳۸۵: ۲۶).

### ۳-۳) جایگاه مناطق آزاد تجاری در سازمان جهانی تجارت

سازمان جهانی تجارت یک سازمان بین‌الدولی است و بر اساس ماده ۱۲ موافقتنامه تأسیس این سازمان هر کشور یا قلمرو مجزای گمرکی که از خود مختاری کامل در تجارت خارجی (و دیگر امور پیش‌بینی شده در موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت) برخوردار است می‌تواند طبق شرایطی که میان آن و سازمان جهانی تجارت مورد توافق قرار می‌گیرد به این سازمان ملحق شود (مرادپور، ۱۳۸۴: ۷۲). بنابراین، عضویت قلمروهای مجزای گمرکی منوط به اختیارات مستقل از سرزمین اصلی به ویژه در حوزه تجارت خارجی به نحو کامل می‌باشد. تاکنون تنها چهار قلمرو مجزای گمرکی شامل هنگ‌کنگ، ماکائو، تایوان و نیز اتحادیه اروپا به عضویت سازمان جهان تجارت درآمده‌اند (همان: ۷۹). با توجه به سطح اختیارات تجاری که چنین قلمروهایی از آن برخوردارند عضویت مناطق آزاد تجاری با ویژگی‌هایی که چنین مناطقی در کشورمان و بسیاری از کشورهای جهان دارند، در سازمان جهانی تجارت میسر نیست. در حقیقت، مناطق آزاد تجاری در کشورهای مختلف جهان با عضویت آن کشورها در سازمان جهانی تجارت به عنوان بخشی از قلمرو این کشورها تحت پوشش قواعد و الزامات این سازمان قرار می‌گیرند. پذیرش قواعد و الزامات سازمان جهانی تجارت توسط دولت‌های متقاضی الحاق، اگرچه در عمل منجر به آزادسازی بازارها و رفع محدودیت‌های تجاری می‌گردد، اما

ابتداً به معنی آزادسازی بی قید و شرط نمی‌باشد و کشورها در فرایند عضویت خود در این سازمان ضمن پذیرش آزادسازی‌های اقتصادی و تجاری و رفع محدودیت‌های زائد، قادر به برقراری حمایت‌های معقول از صنایع خود بوده و تعهدات آزادسازی در سازمان جهانی تجارت برای آنها حداقل سطح آزادسازی‌ها است. این در حالی است که کشورها مختارند برای جذب بیشتر سرمایه خارجی، آزادسازی‌های گسترده‌تر از سطح تعهدات خود در این سازمان را در مناطق آزاد تجاری اعمال نمایند. بنابراین، کشورها به دلیل آن که در عمل امکان آزادسازی‌های گسترده در قلمرو سرزمین اصلی خود را ندارند، معمولاً مناطقی از کشور را تحت عنوان «مناطق آزاد تجاری» از قوانین محدودکننده سرزمین اصلی مجزا کرده و با ارائه امکانات و تسهیلات مناسب‌تر سعی در جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی به هدف تولید برای صادرات می‌کنند.

در عین حال، اجرای قوانین سازمان جهانی تجارت در مناطق آزاد تجاری به عنوان یک طرح آزمایشی و تعمیم نتایج آن به سایر نقاط سرزمین اصلی نه تنها با اهداف اولیه تأسیس مناطق مزبور سازگاری ندارد بلکه در عمل نیز امکان‌پذیر نیست؛ چرا که اساساً مناطق آزاد ویژگی‌هایی چنان متفاوت با کشور دارند که اجرای آزمایشی تعهدات در آنها نمی‌تواند متضمن تصویری از اجرای وسیع‌تر تعهدات الحاق در کل کشور باشد. همچنان‌که حذف تعرفه در این مناطق تصویری از آثار حذف تعرفه در کل کشور ارائه نمی‌کند. همین امر در خصوص آزادسازی بخش خدمات نیز صادق است. چرا که در این مناطق نه تولیدکنندگان رقیب داخلی و نه بازار بزرگ مصرفی وجود دارد تا برآوردی از منافع و زیان‌های ناشی از اجرای آزمایشی طرح به دست آید.

#### ۴) تأثیر الزامات سازمان جهانی تجارت بر عملکرد مناطق آزاد تجاری کشور

در مقررات گات و سازمان جهانی تجارت ذکری از مناطق آزاد تجاری به میان نیامده است و صرفاً در تعهدات کشورها از آنها و یا مناطق ویژه مشابه سخن رفته است. در حقیقت، مطابق مقررات سازمان جهانی تجارت تشکیل مناطق آزاد و مناطق ویژه اقتصادی که در آنها سیاست‌های تجاری آزادتری اعمال می‌شود و معافیت‌هایی بر

حقوق ورودی و مالیات در آنها در نظر گرفته می‌شود بلامانع است و صرف وجود چنین مناطقی در کشورهای عضو مغایرتی با مقررات سازمان ندارد، اگرچه رعایت مقررات سازمان و به ویژه آنها که پیشتر به آنها اشاره شد در این مناطق نیز لازم است. ویژگی مشترک این مناطق آنچنان‌که در کنوانسیون تجدیدنظر یافته ۱۹۹۹ کیوتو در سازمان جهانی گمرک آمده است آن است که این مناطق بخش‌هایی از سرزمین یک کشورند که ورود کالا از آنها از نظر عوارض و مالیات‌های وارداتی به منزله ورود از خارج از قلمرو گمرکی می‌باشد. بنابراین، الحاق به سازمان جهانی تجارت مستلزم تعمیم ضوابط آنها به کل سرزمین که منجر به حذف این مناطق می‌گردد نیست و این مناطق به عنوان مناطق خارج از قلمرو گمرکی کشورها پذیرفته می‌شوند و در عین حال، حفظ این تمایز سرزمینی از نظر سازمان جهانی تجارت از جهات دیگر نیز ضروری است. به این معنا که کالاهایی که از این مناطق به سرزمین اصلی وارد می‌شوند باید مشمول رفتار عادی تجاری در مورد پرداخت حقوق ورودی و مالیات قرار گیرند و رفتارهای ترجیحی تعرفه‌ای به هنگام ورود به سرزمین اصلی باید حذف شوند. به عبارت دیگر، نمی‌توان این مناطق را از جهاتی خارج از سرزمین و از جهات دیگر بخشی از سرزمین به شمار آورد و میان این مناطق و کشورهای دیگر تبعیض قائل شد و یا با دیگر مناطق داخل قلمرو یکسان انگاشت (WTO, 2008: 99-100).

در این خصوص در قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مطابق بند «ج» ماده ۳۵ آمده است: کالاهای تولیدی یا پردازش شده در مناطق آزاد هنگام ورود به سایر نقاط کشور به میزان مجموع ارزش افزوده و ارزش مواد اولیه داخلی و قطعات داخلی به کار رفته در آن مجاز بوده و تولید داخلی محسوب گردیده و از پرداخت حقوق ورودی معاف خواهند بود. بر اساس تبصره همین ماده، مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای خارجی به کار رفته در تولید مشروط به پرداخت حقوق ورودی در حکم مواد اولیه و کالای داخلی محسوب می‌شوند. چنان‌که در این ماده دیده می‌شود اگرچه واردات از مناطق آزاد همچون خارج از کشور مشمول حقوق

ورودی است، اما اعمال چنان حقوقی در خصوص ارزش افزوده ایجاد شده در مناطق آزاد و نیز ارزش مواد اولیه داخلی بر خلاف خارج از کشور صورت نمی‌گیرد و مناطق آزاد از این حیث در وضعیتی مشابه سرزمین اصلی قرار می‌گیرند. بنابراین، چنین رفتاری رفتار عادی تجاری نبوده و نسبت به واردات از مبادی دیگر تبعیض‌آمیز تلقی می‌گردد. مواد ۱۵ و ۱۶ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری و صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲ نیز عیناً دربردارنده مضمون بند «ج» ماده ۳۵ قانون برنامه است. به علاوه، ماده ۱۷ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد، واردات کالا به منظور مصرف در مناطق آزاد را به منزله نقل و انتقالات داخلی شمرده است.

با وجود این، بررسی تعهدات الحاق تایوان در خصوص مناطق پردازش صادرات ذیل موارد مربوط به یارانه‌های صادراتی، مذکور در بند ۹۷ گزارش گروه کاری الحاق تایوان به سازمان جهانی تجارت، نشان می‌دهد که این کشور اگرچه همچنان متعهد به اعمال رفتار برابر در خصوص واردات از مناطق پردازش صادرات نسبت به واردات از خارج می‌باشد، اما در عین حال مجاز به وضع عوارض گمرکی بر محصولات وارداتی از این مناطق بر مبنای قیمت در کارخانه منهای ارزش افزوده ناشی از پردازش این مناطق گردیده است، هرچند در خصوص دیگر عوارض و مالیات‌ها صرفاً مبنای قیمت در کارخانه پذیرفته شده است. تعهدات الحاق تایوان در بند مذکور صرفاً به رعایت اصل عدم تبعیض و رفتار ملی میان بنگاه‌های داخلی و خارجی واقع در این مناطق به جهت اعمال ترتیبات ترجیحی اشاره دارد و به بنگاه‌های خارجی خارج از مناطق مذکور نمی‌پردازد (WTO, 2005: 126)، در حالی که مفاد تعهدات الحاق چین به صراحت اعمال رفتار عادی تجاری در خصوص تمامی مبادی را رفتار غیر تبعیض‌آمیز خوانده است (Ibid.,:158). به نظر می‌رسد که این وضعیت خاص تایوان را بیش از آن که بتوان به قابلیت تفسیر مقررات سازمان مربوط دانست باید نوعی مصالحه مذاکراتی به شمار آورد، هرچند بند مذکور حاوی تعهدی فراتر از مقررات سازمان در خصوص منع الزامات عملکرد صادراتی نیز می‌باشد که متعاقباً خواهد آمد. اگرچه مفاد مربوط به مناطق آزاد

تجاری در هیچ یک از دیگر اعضای ملحق شده به سازمان جهانی تجارت حاوی ذکر استثنای مشابهی بر رفتار عادی تجاری در صادرات به سرزمین اصلی از این مناطق نیست (Ibid.: 156-159)، اما همین یک مورد استثنایی که مشابه مقررات کشورمان می‌باشد هم احتمال حفظ مقررات مذکور را در مذاکرات الحاق مطرح می‌سازد.

چنان‌که گفته شد ایجاد منطقه آزاد تجاری خود به معنی ایجاد دسترسی بدون تعرفه خارجی‌ان به این مناطق است. بند «و» ماده ۳۵ قانون برنامه نیز مبادلات کالا بین مناطق آزاد و خارج و نیز بین مناطق آزاد را از کلیه حقوق ورودی، عوارض و مالیات معاف می‌دارد و تنها موضوع عوارض ماده ۱۰ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد (عوارض خدمات شهری) می‌شمارد. بدین ترتیب بخش مهمی از تعهدات الحاق که به کاهش تعرفه‌ها مربوط می‌شود پیشاپیش در این مناطق در سطوح عمیقتری به انجام رسیده است و لذا تعهدات دسترسی به بازار کالاها که در خصوص کل کشور پذیرفته می‌شود در این مناطق موضوعیت ندارد. اما این سخن در خصوص تعهدات دسترسی به بازار خدمات صادق نیست؛ چرا که ایجاد منطقه آزاد تجاری به خودی خود به معنای آزادسازی کامل بخش‌های خدماتی نیست و لذا اجرای تعهدات دسترسی به بازار برای خارجی‌ان در بخش‌های مختلف خدماتی مطابق با آنچه که در مذاکرات الحاق در خصوص کل کشور پذیرفته می‌شود در مناطق آزاد موضوعیت می‌یابد. بدین معنا که ممکن است در اثر الحاق، آزادسازی‌هایی در بخش‌های خدماتی مورد تعهد قرار گیرد که پیشتر در مناطق آزاد وجود نداشته است؛ چرا که دسترسی به بازار در مناطق آزاد نمی‌تواند محدودتر از سرزمین اصلی باشد. در حال حاضر مطابق با مواد ۱۸ و ۲۲ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری و صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۷۲ و اصلاحیه مصوب سال ۱۳۷۸ آن، تأسیس بانک و مؤسسات اعتباری و بیمه ایرانی با سرمایه داخلی و خارجی و نیز افتتاح شعب ایرانی و خارجی مجاز می‌باشد. اجازه چنین فعالیتی برای خارجی‌ان در مناطق آزاد کشور فراتر از ضوابط سرزمین اصلی و منطبق با تعهدات آتی الحاق در خصوص خدمات مالی می‌باشد. اما

قانون چگونگی اداره مناطق آزاد به دیگر بخش‌های خدماتی نپرداخته است و تنها بند «ز» ماده ۳۵ قانون برنامه چهارم به اجازه تأسیس دانشگاه خصوصی اشاره دارد، حال آن که اکثریت اعضای ملحق شده به سازمان جهانی تجارت (۱۸ عضو از مجموع ۲۵ عضو جدید) متعهد به آزادسازی در تمامی بخش‌های خدماتی (هر ۱۱ بخش اصلی) شده‌اند (WTO, 2008: 128-129).

بنابراین، با مقایسه وضعیت کنونی مناطق آزاد کشور می‌توان گفت که بر خلاف تعهدات دسترسی به بازار کالا، تعهدات دسترسی به بازار خدمات مستقیماً بر مناطق آزاد مؤثر خواهد بود. در عین حال، تعهدات دسترسی به بازار کالا به طور غیرمستقیم بر مناطق آزاد مؤثر خواهد بود؛ چرا که با عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت تعرفه‌های گمرکی سرزمین اصلی برای واردات از سایر کشورها و از جمله مناطق آزاد تجاری کاهش چشمگیری خواهد یافت و به نظر می‌رسد سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد ایران از این منظر جذابیت بیشتری می‌یابد؛ چرا که سرمایه‌گذار در جایی سرمایه‌گذاری می‌کند که بازار با تعرفه‌های پایین یا بدون تعرفه را در نزدیکی خود در اختیار دارد.

گذشته از تجارت میان سرزمین اصلی و مناطق آزاد و مقوله دسترسی به بازار کالاها و خدمات، از نظر پذیرش قواعد و مقررات سازمان جهانی تجارت و عضویت ایران در این سازمان، سرزمین اصلی و مناطق آزاد تجاری وضعیت یکسانی دارند و این مناطق تحت شمول تعهدات الحاق و ضوابط سازمان جهانی تجارت قرار می‌گیرند؛ با این تفاوت که برخی از مقررات سازمان از جمله آنهایی که به تعرفه و عوارض مربوط می‌شوند در این مناطق موضوعیت نمی‌یابند و یا حائز اهمیت نیستند. اما پاره‌ای از این مقررات در این مناطق از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند که مهمترین آنها ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری، یارانه‌ها و حقوق مالکیت فکری و نیز اصل عدم تبعیض است که باید در اعمال مشوق‌ها و یا الزامات خاص سرمایه‌گذاری در این مناطق مدنظر قرار گیرند (Ibid.,: 100).

از لحاظ الزامات سازمان جهانی تجارت در تجارت کالایی یارانه‌ها به سه دسته:

مجاز، ممنوع و قابل پیگیری تقسیم‌بندی می‌شوند. یارانه‌های ممنوع یارانه‌های مشروط به عملکرد صادراتی و نیز یارانه‌های مشروط به جایگزینی واردات را شامل می‌شود. دیگر یارانه‌ها ممنوع نیستند، اما یارانه‌های خاص چنانچه منجر به آثار سوء نسبت به دیگر کشورها شوند قابل پیگیری می‌باشند و یارانه‌هایی که اختصاص به مناطق معینی داشته باشند در زمره یارانه‌های خاص قرار می‌گیرند. در این خصوص شایان ذکر است که اگرچه بر اساس تعریف یارانه‌های خاص منطقه‌ای در سازمان جهانی تجارت یارانه‌هایی که از سوی یک مقام اعطاء‌کننده یارانه به تمامی بنگاه‌های تولیدی واقع در منطقه تحت حاکمیت آن اعطاء شود خاص و قابل پیگیری تلقی نمی‌گردند (WTO, 2002: 232)، اما دشوار به نظر می‌رسد که بتوان یارانه‌های ویژه مناطق آزاد را واجد این ویژگی تلقی کرد؛ ولی ممکن است با ایجاد قابلیت انطباق بیشتر با مفاد فوق‌الذکر بتوان از این انعطاف بهره گرفت. با توجه به این که قاعدتاً مناطق آزاد تجاری برای جذب سرمایه‌های بیشتر و توسعه صادرات به اقداماتی نظیر معافیت‌های مالیاتی و مشوق‌های بانکی و مالی روی می‌آورند، بایستی توجه در صورتی که اعطای مشوق‌های مزبور منوط به عملکرد صادراتی آنها باشد، با عضویت در سازمان جهانی تجارت، مشوق‌ها و معافیت‌های مزبور برچیده خواهد شد. کشورها معمولاً قوانین خود را به گونه‌ای اصلاح می‌نمایند که یارانه‌های ممنوع در قوانین داخلی، در شکل یارانه‌های مجاز و یا قابل پیگیری جلوه نمایند. با این وجود اعطای یارانه در زمینه تجارت خدمات ممنوعیتی ندارد و حتی کشور عضو می‌تواند در صورت توافق در این خصوص در مذاکرات عضویت، به عرضه‌کننده داخلی خدمات یارانه اعطاء کند، اما این یارانه را به عرضه‌کننده خارجی همان خدمات در داخل کشور اعطاء ننماید (دژم‌خوی و مرادپور، پیشین، ۳۲-۳۱). کشورهای ملحق شده به سازمان جهانی تجارت متعهد به حذف یارانه‌های ممنوع مطابق با موافقتنامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی این سازمان می‌باشند (Ibid.). اما تایوان به نحو مطلق از وضع مجدد مشوق‌های صادراتی منع شده است (WTO, 2005: 126) که به نظر می‌رسد تعهدی فراتر از الزامات



سازمان جهانی تجارت می‌باشد.

ماده ۱۳ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد معافیت مالیاتی ۱۵ ساله برای مناطق آزاد در نظر گرفته است و پس از ۱۵ سال نیز این مناطق را تابع مقررات مالیاتی خاص می‌شمارد. این معافیت مالیاتی یارانه محسوب می‌شود، اما مشروط به عملکرد صادراتی نیست. مطابق با بند ب ماده ۳۵ قانون برنامه چهارم نیز خدماتی از قبیل برق، آب، مخابرات، سوخت و دیگر خدمات از سوی دولت و مؤسسات وابسته به آن با قیمت ترجیحی ارائه نمی‌گردد.

با پذیرش الزامات سازمان جهانی تجارت، کشور ملحق شده از این پس از به‌کارگیری برخی اقدامات تجاری در سرمایه‌گذاری‌های خارجی خود باید اجتناب کند. به‌عنوان مثال، نمی‌توان بنگاه خارجی را ملزم به استفاده یا خرید کالاهایی با منشأ داخلی نمود؛ به‌طوری‌که مثلاً، درصد معینی از داده‌های مورد نیاز خود را از داخل کشور میزبان سرمایه‌گذاری تأمین کند (الزام محتوای داخلی). یا این که نمی‌توان خرید یا استفاده بنگاه‌ها از کالاهای وارداتی را به مبلغی مرتبط با میزان یا ارزش محصولات محلی که بنگاه مزبور صادر می‌کند، محدود نمود (الزام تراز تجاری). البته الزام عملکرد صادراتی به معنای الزام سرمایه‌گذار خارجی به صادرات تمام یا بخشی از تولید در مقررات سازمان جهانی تجارت مجاز است؛ چرا که چنین الزامی هیچ یک از دو ضابطه سازمان جهانی تجارت یعنی رفتار ملی و منع محدودیت‌های مقداری را نقض نمی‌کند (ITC/CS, 1995: 210). با وجود این، مقاومت‌هایی در اعطای این حق به کشورهای متقاضی الحاق وجود دارد و حتی در مواردی این حق از اعضای جدید سازمان سلب گردیده است. به‌عنوان مثال، چین به برچیدن الزامات عملکرد صادراتی در سراسر کشور (WTO, 2005:148) و مقدونیه به برچیدن الزامات عملکرد صادراتی در مناطق آزاد متعهد شده است (Ibid.,:159). تایوان نیز علاوه بر مشوق‌های صادراتی از وضع مجدد الزامات صادراتی نیز در مناطق پردازش صادرات خود بازداشته شده است (Ibid.,:126). اما قانون چگونگی اداره مناطق آزاد کشورمان اساساً فاقد الزامات

تجاری مذکور (اعم از ممنوع و مجاز) می‌باشد.

یکی از مهمترین الزامات سازمان جهانی تجارت حمایت از حقوق مالکیت فکری است؛ به طوری که در قالب این الزامات، پرداخت حق نسخه‌برداری، حق اختراع، علائم تجاری و غیره الزامی است و پدیدآورندگان و مخترعین تا سال‌های متمادی از حقوق فکری خود بهره‌مند می‌گردند. بنابراین، در صورت عضویت کشور در سازمان، فعالان اقتصادی در سراسر کشور از جمله مناطق آزاد تجاری ملزم به رعایت حقوق مالکیت فکری و پرداخت هزینه‌های آن هستند. البته قاعدتاً مناطق آزاد به جهت جذب بیشتر سرمایه‌گذاری خارجی نیازمند حمایت قوی‌تر از حقوق مالکیت فکری می‌باشند. ماده ۲۲ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد مصوب سال ۱۳۷۸ ثبت مالکیت صنعتی و معنوی را به سازمان‌های مناطق آزاد و مطابق با ضوابط مصوب هیأت وزیران واگذار کرده است. در عمل مناطق آزاد مشمول مقررات کلی کشور در این خصوص قرار دارند که نسبت به ضوابط سازمان جهانی تجارت کاستی‌های قابل ملاحظه‌ای به ویژه در خصوص حق نسخه‌برداری دارد (فتحی‌زاده و بزرگی، ۱۳۸۳: ۳۳۰)، اما از آنجایی که مالکیت صنعتی در مناطق آزاد به مراتب از اهمیت بیشتری برخوردار است و کشورمان با توجه به عضویت در کنوانسیون پاریس حقوق مالکیت صنعتی را مورد حمایت قرار می‌دهد (همان: ۲۸۸)؛ تأثیر ماهوی عمده‌ای از عضویت در سازمان جهانی تجارت در این خصوص مورد انتظار نمی‌باشد، هرچند که مسأله تقویت رویه‌های اجرایی قطعاً تأثیرگذار خواهد بود.

## ۵) جمع بندی

تجربه بسیاری از کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت و به ویژه چین گویای آن است که این کشورها از مناطق آزاد تجاری، صنعتی، خدماتی و فناوری خود در راستای مشارکت مؤثر خود در اقتصاد جهانی بهره‌گرفته‌اند و این مناطق نقشی پیشاهنگ را در این خصوص ایفاء کرده‌اند که حاکی از اهمیت این مناطق در الحاق

به سازمان جهانی تجارت است. در عین حال، تأثیرات و الزامات الحاق به سازمان جهانی تجارت در سرزمین اصلی و مناطق آزاد تفاوت‌های اساسی با یکدیگر دارند و نمی‌توان از مناطق آزاد به عنوان الگویی آزمایشی برای الحاق کشور به سازمان جهانی تجارت استفاده کرد. به علاوه، بررسی مقررات مرتبط سازمان جهانی تجارت حاکی از آن است که الحاق به این سازمان در مواردی چون منع تبعیض، یارانه‌ها و ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری محدودیت‌هایی برای فعالیت در مناطق آزاد تجاری ایجاد می‌نماید. بررسی مقررات کنونی کشور در این خصوص حاکی از وجود مغایرت‌های عمده‌ای در این موارد نیست و دست‌کم امکان ارائه توجیحات و راه‌کارهایی در این باره وجود دارد. هرچند که ممکن است پاره‌های از مشوق‌های مغایر با الزامات سازمان جهانی تجارت در راستای توسعه این مناطق بعداً مد نظر قرار گیرند؛ به ویژه آن که تا زمان عضویت کامل ایران در این سازمان که سال‌ها به طول می‌انجامد رعایت چنین مواردی الزامی نخواهد شد. همچنین با عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت، سرزمین اصلی از قوانین و مقررات تجاری آزادانه‌تری برخوردار خواهد شد که گرچه به طور کلی، نازلتر از میزان آزادسازی‌ها در مناطق آزاد می‌باشد، اما چنانچه مناطق آزاد علاقه‌مند به حفظ و گسترش جذابیت‌های این مناطق برای سرمایه‌گذاران خارجی باشند بایستی اولاً قوانین خود را به گونه‌ای که مغایر با الزامات سازمان جهانی تجارت نباشد اصلاح نمایند. از طرف دیگر، به دنبال اصلاح و بهبود زیرساخت‌های تجاری و اقتصادی خود باشند.

## منابع

### الف- فارسی:

- اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری (۱۳۸۳) مجموعه قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. چاپ اول. تهران: معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری.
- بزرگی، وحید (۱۳۸۶) درآمدی بر سازمان تجارت جهانی و الحاق ایران، تهران: نشر

قومس، چاپ اول.

خلیلی، عبدالرسول (۱۳۸۷) «اهداف راهبردی مناطق آزاد و حرکت به سوی آینده»، ماهنامه آغاز، سال اول، شماره سوم، مردادماه.

دژم خوی، غزاله و مرادپور، فرزاد (۱۳۸۵) «قوانین برنامه‌های توسعه در ایران و الزامات الحاق به سازمان جهانی تجارت»، فصلنامه پژوهش‌های تجارت جهانی، دفتر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری، شماره ۳ و ۲، بهار و تابستان.

سازمان جهانی تجارت (۱۳۷۳) سند نهایی دور اروگوئه و گات، ترجمه موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، دی‌ماه.

صلاحی احمدآبادی، محمود (۱۳۸۷) «میانبری برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی»، ماهنامه آغاز، سال اول، شماره دهم، اسفندماه.

فتحی‌زاده، امیر هوشنگ و بزرگی، وحید (۱۳۸۳) بایسته‌های الحاق به سازمان جهانی تجارت در زمینه حقوق مالکیت فکری، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.

گروه نویسندگان (۱۳۸۵) سازمان جهانی تجارت، ساختار، قواعد و موافقتنامه‌ها، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.

مرادپور، فرزاد (۱۳۸۴) «الحاق به سازمان جهانی تجارت»، فصلنامه پژوهش‌های تجارت جهانی، دفتر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری، شماره ۱، زمستان.

مرکز تجارت بین‌الملل و دبیرخانه مشترک المنافع (۱۳۷۵) راهنمای تجاری دور اروگوئه، ترجمه موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، آبان‌ماه.

ب- لاتین:

Hoeckman Bernard and Kostecki Michel (1995) **The Political Economy of the World Trading System**, New York: Oxford University Press.

ITC/CS (2000) Business Guide to The General Agreement on Trade in Services, Geneva: International Trade Centre/Commonwealth Secretariat Revised edition.

ITC/CS (1995) *Business Guide to The Uruguay Round*, Geneva: International Trade Centre/Commonwealth Secretariat.

World Trade Organization (2002) **The Legal Texts: The Results of the Uruguay Round of Multilateral Trade Negotiations**. Geneva: WTO Publications.

\_\_\_\_\_, (2005) «Technical Note on the Accession Process». WTO document WT/ACC/10/Rev.3 dated 28 November.

\_\_\_\_\_, (2008) **A Handbook on the Accession to the WTO**. Cambridge: Cambridge University Press, (WTO Secretariat Publication).

<http://www.mporg.ir>.

<http://www.wto.org>.

